

Political Development of State in Vietnam based on Deutsch and Moore Theories

Mandana Tishehyar * 

Assistant Professor, Department of Regional
Studies, ECO College, Allameh Tabataba'i
University, Tehran, Iran

Abstract


The political development of the state is achieved by attaining different indicators. In the formulation of the political development of state in the eastern societies, it can be seen that although some of the most important factors of development may appear, but it can be expected that the society is still far from the political development indicators. In this research, an attempt has been made to investigate the trends in Vietnam to achieve political development by using the theories of the political development of state. The main question is that based on different features, how much the level of the political development of state in Vietnam is according to the factors mentioned in the classic theories of the political development raised by Deutsch and Moore including the rule of agents, the rate of urbanization, the rate of literacy, the economic situation, the rule of the social classes and the rule of international actors? According to the results of this research, it seems that the patterns and policies applied in the Western societies to achieve a democratic system could be an instrument in the hand of the politicians in the countries like Vietnam to shape a political development based on an authoritarian approach.

Keywords: Party/state, Political development, Vietnam, Authoritarianism, Democracy

* Mandana.tishehyar@gmail.com

How to Cite: Tishehyar, M. (2022). Political Development of State in Vietnam based on Deutsch and Moore Theories. State Studies, 8(30), -. doi: 10.22054/tssq.2022.70275.1334

توسعه سیاسی دولت در ویتنام در چارچوب نظریه‌های کارل دویچ و برینگتون مور

ماندانا تیشه‌یار *  استادیار موسسه آموزش عالی بیمه اکو دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده

زام‌داران ویتنامی پس از پایان جنگ داخلی، از دهه ۱۹۷۰ طی حدود چهار دهه کوشیده‌اند که روند توسعه و نوسازی دولت در عرصه سیاسی را در این کشور با الگویی که از یکسو شاخصه‌های بومی را در خود دارد و از سوی دیگر از الگوهای توسعه سیاسی در کشورهای کمونیستی بهره برده، پیش ببرند. در این پژوهش، کوشش شده تا با بهره‌گیری از نظریه‌های توسعه سیاسی، به بررسی روندهای پیموده شده در ویتنام، برای دستیابی به توسعه سیاسی در ساختار دولت در این کشور پرداخته شود. پرسش اصلی آن است که با توجه به ویژگی‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و تحولات تاریخی در ویتنام، سطح توسعه سیاسی دولت در این کشور تا چه اندازه با شاخص‌های نظریه‌های کلاسیک توسعه سیاسی که توسط دویچ و مور مطرح شده‌اند، مانند نقش کارگزاران، میزان شهرنشینی، سطح سواد، وضعیت اقتصادی، نقش طبقات اجتماعی و عوامل بیرونی همخوانی دارد؟ آنچه از این پژوهش به دست آمده، گویای آن است که ویژگی‌های تاریخی و فرهنگ سیاسی و اجتماعی جامعه ویتنام، موجب شده که روند توسعه و نوسازی سیاسی دولت در این کشور، مؤید این نکته باشد که الگوها و سیاست‌هایی که در برخی جوامع غربی به شکل‌گیری سامانه‌های مردم‌سالار انجامیده‌اند، در دیگر جوامع می‌توانند زمینه‌ساز و ابزار دست دولتمردان برای شکل‌دهی به توسعه سیاسی دولت بر پایه رویکردهای اقتدارگرایانه باشند.

واژگان کلیدی: حزب - دولت، توسعه سیاسی، ویتنام، اقتدارگرایی، مردم‌سالاری

مقدمه

توسعه‌یافتگی سیاسی دولت، در جوامع گوناگون با طی روندها و دستیابی به شاخص‌های گوناگون به دست می‌آید. با این‌همه، می‌توان در اغلب الگوهای توسعه سیاسی دولت‌ها که برخاسته از دیدگاه‌های اندیشمندان به اصطلاح غربی و شرایط زمانی و مکانی جوامع ایشان است، شاخص‌های مشترکی مانند «فراهم آمدن زمینه مشارکت سیاسی مردم و گروه‌ها در عرصه قدرت»، «همزیستی مسالمت‌آمیز اقشار گوناگون جامعه»، «اولویت یافتن منافع ملی بر منافع فردی و جناحی»، «کاهش نابرابری‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی»، «دسترسی شهروندان به حقوق و آزادی‌های اجتماعی» و «امکان نقد سیاست‌های دولت» را دید. نکته دارای اهمیت آن است که در مطالعه صورت‌بندی توسعه سیاسی دولت در برخی جوامعی که اصطلاحاً شرقی نامیده می‌شوند، اگرچه برخی از مهم‌ترین عوامل توسعه‌یافتگی در جوامع، مانند حضور کارگزاران کارآمد، افزایش میزان شهرنشینی، ارتقای سطح سواد، بهبود وضعیت اقتصادی، حضور و نقش‌آفرینی طبقات اجتماعی و سیاست‌های توسعه‌گرایانه قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ممکن است به صورت کم یا زیاد در یک جامعه پدیدار شوند، اما می‌توان انتظار داشت که آن جامعه همچنان فاصله زیادی با شاخص‌های توسعه سیاسی دولت، آن‌گونه که در صدر این نوشتار برشمرده شد، داشته باشد. در واقع، نکته اساسی آن است که بتوان بررسی کرد چرا دسترسی به عوامل توسعه‌یافتگی اقتصادی و اجتماعی، لزوماً به دستیابی به شاخص‌های توسعه سیاسی دولت نمی‌انجامد و در این زمینه، چه متغیرهایی روند دستیابی به توسعه سیاسی دولت در جوامع شرقی و غربی را از یکدیگر متمایز می‌سازند.

در این پژوهش کوشش شده است تا با بهره‌گیری از شاخص‌های مطرح شده در نظریه‌های توسعه سیاسی دولت و آزمودن آنها با واقعیت‌های موجود، به بررسی روندهای پیموده شده در یکی از مهم‌ترین کشورهای جنوب شرق آسیا، ویتنام، برای دستیابی به توسعه سیاسی در درون ساختار دولت در این کشور پرداخته شود. انتخاب این کشور برای مطالعه از آن رو است که در میان کشورهای جنوب شرق آسیا، ویتنام از جمله اندک شمار کشورهایی است که الگویی متفاوت را برای دستیابی به توسعه سیاسی دولت از هنگام استقلال این کشور در نیمه دهه ۱۹۷۰ به کار گرفته است. در

واقع، این کشور همزمان با آغاز فرایند استعمارزدایی از نیمه سده بیستم، کوشیده است تا در کنار دشواری‌های ناشی از جنگ‌های داخلی و مداخله بیگانگان، روند برساختن الگویی منحصر به خود در زمینه دولت‌سازی و توسعه سیاسی دولت را دنبال کند.

در میان اندک شمار مطالعات انجام شده درباره این کشور به زبان فارسی، توجه به تاریخ (ابراهیم خانی، ۱۳۸۵) و توسعه اقتصادی (رحیمی بدر و مبارک، بهمین و اسفند ۱۳۸۸) ویتنام و نیز شیوه تعامل این کشور با قدرت‌های بزرگ جهان (حاجی یوسفی و حبیبی، پاییز ۱۳۹۷) از جمله مهم‌ترین موضوعات مورد بحث بوده‌اند. اما در منابع موجود به زبان انگلیسی می‌توان شمار بالایی از کتاب‌ها و مقالات علمی را یافت که به بحث‌های گوناگون درباره تاریخ، سیاست و اقتصاد در ویتنام از دوران باستان تا امروز پرداخته‌اند. به ویژه به واسطه جنگ طولانی میان ایالات متحده آمریکا و ویتنام در نیمه دوم سده بیستم، این کشور مورد توجه پژوهشگران علوم سیاسی و روابط بین‌الملل بوده است. با این‌همه، آنچه که درباره ویتنام در سال‌های پس از استقلال (در ۱۹۵۲) و تشکیل دولت یکپارچه (در ۱۹۷۵) نوشته شده را عموماً می‌توان به سه بخش تقسیم کرد.

الف) بررسی تاریخی جنگ داخلی ویتنام و نیز جنگ ویتنام شمالی با ایالات متحده آمریکا

این موضوعات در طول دهه‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ زمینه‌ساز نگارش مقالات و کتاب‌های بسیاری در جهان شده‌اند. آنچه که در این منابع بیشتر مورد توجه بوده، بررسی عوامل مؤثر در پیروزی چریک‌های چپ در این کشور و بیرون راندن یکی از بزرگترین ابرقدرت‌های جهان پس از جنگی طولانی است. در واقع، اندیشمندان از نحله‌های فکری گوناگون به روش‌های مختلف به تبیین علل و روند این جنگ‌ها پرداخته‌اند و کمتر به چگونگی شکل‌گیری ساختار دولت مدرن در ویتنام توجه شده است.

ب) بررسی چگونگی دستیابی ویتنام به توسعه اقتصادی

از دید پژوهشگران، کوشش دولت کمونیستی ویتنام در برپاداری الگوی اقتصاد سرمایه‌داری در این کشور از نیمه دهه ۱۹۸۰ و کامیابی آن در دستیابی به

پیشرفت‌های اقتصادی چشمگیر و تغییر جایگاه ویتنام از یک کشور تهیدست و جنگ‌زده به یکی از مهم‌ترین قطب‌های اقتصادی در شرق آسیا، موضوعی مهم بوده که مورد پژوهش‌های گوناگون قرار گرفته است. در این مجموعه مطالعات نیز تحول ساختار دولت در ویتنام کمتر مورد بررسی بوده و در واقع، توجه پژوهشگران معطوف به تجزیه و تحلیل سیاست‌ها و رویکردهای اقتصادی دولت ویتنام بوده است.

پ) بررسی توسعه سیاسی دولت در ویتنام

نگارنده در بررسی‌هایی که برای یافتن منابعی مرتبط با موضوع این پژوهش انجام داده، به دو گروه از منابع علمی دست یافته است. نخست، کتاب‌ها یا مقالاتی که به صورت کلی به بررسی روندهای توسعه سیاسی و مردم‌سالاری‌سازی در کشورهای آسیایی پرداخته‌اند و بخش کوچکی از آن پژوهش‌ها به بررسی شرایط در ویتنام اختصاص داده شده و بیشتر به توصیف شرایط موجود در آن کشور پرداخته شده است. دوم، اندک شمار مقالات و گزارش‌های علمی که توسط برخی پژوهشگران یا اندیشکده‌ها در سال‌های اخیر منتشر شده و در کنار بررسی کلان اقتصاد و سیاست در ویتنام، ضمن تأکید بر دستیابی این کشور به بسیاری از شاخص‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی در دهه‌های اخیر، ادعان داشته‌اند که ساختار متصلب سیاسی در این کشور هنوز چندان تغییر نکرده و فاصله زیادی میان توسعه سیاسی دولت در ویتنام با رفاه اقتصادی و اجتماعی در این کشور به چشم می‌خورد (Gainsborough, 2002, pp. 694–707). به این ترتیب، نگارنده در جستجوهای انجام شده نتوانست به منبع علمی مستقلی که به سنجش وضعیت توسعه سیاسی دولت در ویتنام بر پایه نظریه‌های مطرح توسعه سیاسی دولت پرداخته باشد، دست یابد.

پرسش اصلی در انجام این پژوهش آن بوده که با توجه به ویژگی‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ویتنام، سطح توسعه سیاسی دولت تا چه اندازه با شاخص‌های نظریه‌های کلاسیک توسعه سیاسی که توسط دوویچ و مور ارائه شده‌اند، مانند نقش کارگزاران، میزان شهرنشینی، سطح سواد، وضعیت اقتصادی، نقش طبقات اجتماعی و عوامل بیرونی همخوانی دارد؟

از این‌رو، نگارنده کوشش کرده است تا با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی، با در نظر داشتن شمار اندک منابع فارسی درباره کشور ویتنام، نخست به اختصار به توصیف شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این کشور و به ویژه معرفی ساختار سیاسی دولت در ویتنام پرداخته و سپس با برشمردن برخی عناصر اصلی تأثیرگذار بر توسعه سیاسی دولت، به تحلیل شرایط موجود در این کشور بر بنیان مهم‌ترین شاخص‌های مطرح شده در نظریه‌های توسعه سیاسی دولت پردازد و وضعیت دستیابی دولت به توسعه سیاسی را بر پایه شاخص‌های مطرح شده در نظریه‌های توسعه سیاسی بیازماید. از میان نظریه‌های گوناگون توسعه، نویسنده کوشیده است تا شاخص‌های توسعه سیاسی دولت را از میان شاخص‌های کلی توسعه، با تأکید بر شاخص‌های مطرح شده از سوی کارل دویچ و برینگتون مور، برگزیند.

آنچه که از این پژوهش به دست آمده، گویای آن است که وضعیت توسعه سیاسی دولت در مطالعه موردی ویتنام، نشانگر آن است که ویژگی‌های تاریخی و فرهنگ سیاسی و اجتماعی ویژه این جامعه، نقشی بنیادی‌تر در پی‌ریزی پایه‌های توسعه سیاسی ساختارهای دولتی در این کشور به نسبت شاخص‌های توسعه سیاسی تعریف شده در نظریه‌های غربی توسعه بازی می‌کنند. در واقع، سیاست‌مداران این کشور، برای پدید آوردن احساس هویت جمعی و افزایش مشارکت و همبستگی مردم ویتنام - که متشکل از اقوام، نژادها و مذاهب گوناگون هستند - نه تنها به دنبال برساختن هویت نوینی به نام «شهروندی» نبوده‌اند؛ بلکه کوشش برای دستیابی به یک سامانه سیاسی پایدار و توسعه‌یافته در ویتنام، به سرکوب خواست‌های مدنی بسیاری از گروه‌های سیاسی و اجتماعی توسط حزب - دولت^۱ نوظهور و اقتدارگرا انجامیده است. همین امر موجب شده است که روند توسعه و نوسازی سیاسی دولت در این کشور نشان‌دهنده این نکته باشد که الگوها و سیاست‌هایی که در برخی جوامع غربی به شکل‌گیری سامانه‌های مردم‌سالار انجامیده‌اند، در دیگر جوامع می‌توانند زمینه‌ساز و ابزار دست دولتمردان برای شکل‌دهی به توسعه سیاسی دولت بر پایه رویکردهای اقتدارگرایانه باشند.

بررسی برخی شاخص‌های نظری تأثیرگذار در شکل‌گیری توسعه سیاسی دولت در زمینه شیوه‌ها و الگوهای توسعه سیاسی نهادی به نام «دولت» تاکنون نظریه‌های گوناگونی ارائه شده‌اند. از دل نظریه‌های موجود، می‌توان شاخص‌هایی برای سنجش میزان توسعه سیاسی دولت در یک جامعه یافت. در حوزه پژوهش‌های توسعه سیاسی، می‌توان به موارد زیر به عنوان مهم‌ترین عناصر تأثیرگذار بر توسعه سیاسی دولت (شامل عوامل بیرونی و درونی) اشاره کرد:

الف) نقش نخبگان و کارگزاران در توسعه سیاسی نهاد دولت:

در بسیاری از جوامع، ویژگی‌های فردی کارگزاران در شکل‌دهی به سطح توسعه سیاسی دولت نقش مهمی بازی می‌کند. در واقع، رویکرد دولتمردان نسبت به ساختار سیاسی دولت، در تعیین الگوی حکومتی در یک جامعه می‌تواند نقشی کلیدی داشته باشد. افزون بر این، از آنجا که در برخی جوامع، کیش شخصیت همچنان از اهمیتی ویژه برخوردار است، ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری رهبران، تأثیر چشمگیری بر روند توسعه سیاسی دولت در این کشورها دارد.

ب) بهبود شرایط زیست اقتصادی:

بر پایه برخی نظریه‌های کلاسیک توسعه سیاسی، نابرابری اقتصادی منبع اصلی بی‌ثباتی و خشونت است و اگر یک جامعه به سطح کافی ثروت دست یابد، این امر از میزان خشونت‌ها خواهد کاست (Russet, 1973) (Dahl & Lindblom, 1957). بخشی از این خشونت می‌تواند در قالب رقابت‌های سیاسی و یا اقتدارگرایی دولت‌ها در برابر توده‌های محروم تبلور یابد. از این رو، مطابق این نظریه‌ها، توزیع متوازن ثروت و توسعه اقتصادی در یک جامعه، می‌تواند به کارآمدی بهتر دولت و توسعه سیاسی آن بیانجامد.

پ) رشد فرهنگی و اجتماعی:

کارل دوئیچ^۱ میزان پیشرفت در چهار شاخص داده‌های اقتصادی، فرهنگی، جمعیتی و سیاسی را بیانگر میزان بسیج اجتماعی برای دستیابی به توسعه در هر جامعه می‌داند. در این دیدگاه، در بحث رشد فرهنگی و جمعیتی، عناصری مانند افزایش سطح سواد و بالا رفتن نرخ شهرنشینی به همراه افزایش آگاهی‌های فرهنگی، می‌توانند درخواست یک جامعه برای بالا رفتن سطح توسعه سیاسی دولت را به همراه داشته باشند (Deutsch, 1953).

ت) سنت‌های حکمرانی:

در بسیاری از جوامع که تشکیل دولت از پیشینه تاریخی طولانی برخوردار است، سنت‌های جاری در گذشته‌های دور، اغلب بر ساختارهای امروزی دولت در این جوامع تأثیر گذارند. در چنین وضعیتی، تفکیک قوا به عنوان پدیده‌ای نسبتاً نوین، هنوز کارآمد نیست و ساختارهای دولتی بیشتر با ساختارهای مطلوب گروه حاکم درهم آمیخته‌اند. در این موارد، قوه مجریه اغلب کاملاً بر ساختار قدرت فرمانرواست و سطح پختگی سیاسی توده‌ها را خود اندازه‌گیری می‌کند و بر پایه برداشت خود، محدودیت‌هایی را بر آزادی‌های سیاسی اعمال می‌دارد (Shils, 1960) (بدیع، ۱۳۷۵) و در نتیجه، ساختار سیاسی به یک نوع مردم‌سالاری کنترل شده دست می‌یابد. به این ترتیب، پیشینه تاریخی فرمانرانی در یک کشور می‌تواند به عنوان عامل بازدارنده و یا ترغیب‌کننده در انجام توسعه سیاسی در ساختار دولت تأثیرگذار باشد.

ث) طبقات اجتماعی:

آن‌گونه که برینگتون مور تقسیم‌بندی نموده است، می‌توان انتظار داشت که طبقات گوناگون اجتماعی (شامل زمینداران، نیروی کار روستایی، کارگران شهری، خرده سرمایه‌داران، طبقه متوسط حقوق‌بگیر و دیگر اقشار جامعه) هر یک به فراخور وضعیت اجتماعی و منافع طبقه خود، به دنبال توسعه سیاسی دولت و برپاداری سامانه مردم‌سالاری باشند (Moore, 1966). به این ترتیب، بر پایه این نظریه، رشد و

1. Karl Deutsch

توسعه هر یک از این طبقات، می‌تواند عامل پیش‌برنده توسعه سیاسی دولت به شمار آید (Potter, 1992) (Rueschemeyer and others, 1992).

ج) عوامل بیرونی:

و سرانجام آنکه، حضور استعمارگران در بسیاری از مناطق جهان در سده‌های گذشته و کوشش آنان برای برپایی الگوهای سیاسی همسان با جوامع خود در کشورهای زیر سلطه، در بسیاری از موارد سبب شده است که الگوهای توسعه سیاسی یکسانی میان کشور استعمارگر و کشور مستعمره شکل بگیرد. همچنین در دوران کنونی نیز بسیاری از کشورهای رو به توسعه، به واسطه معادلات سیاسی حاکم بر سامانه بین‌المللی، بسته به آنکه در بلوک شرق یا غرب جای داشته‌اند، رهیافت‌های سیاسی گوناگونی را متأثر از بلوک‌بندی‌های سیاسی خود در سطح بین‌المللی، در زمینه توسعه سیاسی دولت دنبال کرده‌اند.

نگاهی به تاریخ و ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه ویتنام

ویتنام سرزمینی باریک و بلند، در کناره شرقی کشورهای کامبوج، لائوس و چین است که با مساحتی نسبتاً کم (حدود ۳۳۰ هزار کیلومتر مربع) براساس آمارهای تابستان ۲۰۲۲ جمعیتی بیش از ۹۷ میلیون تن را در خود جای داده است. بسیاری از مردم ویتنام همچنان در روستاها زندگی می‌کنند و تنها نزدیک به ۳۹ درصد ویتنامی‌ها در سال ۲۰۲۲ شهرنشین هستند. ویتنام یکی از بالاترین نرخ‌های باسوادی در آسیا (۹۵ درصد) را دارا است (CIA World Factbook) (2022).

این کشور یکی از متنوع‌ترین ترکیبات نژادی در کل آسیا را نیز داراست. بسیاری از ۵۴ گروه نژادی گوناگون ویتنام دارای بستگان و روابط با همسایگان لائوسی، چینی، کامبوجی، تایلندی و میانماری خود هستند. حدود ۸۵ درصد جمعیت ویتنام را نژاد ویت یا در اصطلاح محلی کین^۱ و ۱۵ درصد دیگر را اقلیت‌های نژادی دیگر تشکیل می‌دهند (Ibid).

از نظر مذهبی، تاریخ ویتنام با آیین‌های بودایی، تائویی، کنفوسیوسی و مسیحی درآمیخته است. با این‌همه، گسترش آموزه‌های کمونیستی توسط دولت در دهه‌های گذشته، موجب شده است که ویتنامی‌ها گرایش چندانی به دینداری از خود نشان ندهند. بر پایه آمارهای ۲۰۱۹، بیش از ۸۶ درصد مردم خود را بی‌دین یا لائیک می‌دانند (Pew Research Centre, August 2022).

تاریخ سرزمین ویتنام، پر است از کوشش‌هایی برای گسترش قلمرو خود و نیز نگهداری از این سرزمین در برابر بیگانگان. نخستین تهدید خارجی علیه ویتنام، حمله چینی‌ها به رهبری خاندان هان^۱ در حدود دو هزار سال پیش به این کشور و اشغال آن بود. اگر چه چینی‌ها برای نزدیک به هزار سال بر این سرزمین فرمان راندند، اما سرانجام در سده نهم میلادی ویتنامی‌ها توانستند سرزمین خود را پس بگیرند (See: Homgren, ۱۹۸۰, Taylor & ۱۹۸۳). با این‌همه، آثار فرهنگ و تمدن چینی بر قوانین، نظام طبقاتی، ادبیات، زبان و فرهنگ ویتنامی همچنان برجاست (See: Ooi, ۲۰۰۴).

از سوی دیگر، گسترش مراودات با دیگر سرزمین‌ها در این دوران باعث شد که آیین بودایی همراه با بازرگانان و برهمنان هندی به این کشور بیاید. در سده‌های میانه نیز شاهد یورش مغول‌ها و حضور آنها در این سرزمین بودیم (See: Lien Hong & Sharrok, ۲۰۱۴). از میانه سده یازدهم میلادی، بازرگانان و مبلغان مذهبی غربی نیز وارد این منطقه شدند و در ۱۸۴۱ بیش از ۴۵۰ هزار نفر از مردم ویتنام مسیحی شده بودند (See: McLeod, ۱۹۹۱). دولت نیز با کمک مستشاران فرانسوی، شروع به مدرن‌سازی ساختارهای خود و پذیرفتن الگوهای غربی در ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ویتنام کرد (See: hKeit, ۲۰۱۲). در سال ۱۸۸۷ ارتش فرانسه اشغال خاک ویتنام را رفته رفته آغاز کرد. مردم ویتنام که از ستم فرمانرانان ویتنامی به تنگ آمده بودند، مقاومت اندکی در برابر اشغال‌گران از خود نشان دادند و به این ترتیب، ویتنام به مستعمره فرانسه تبدیل شد (See: Pelley, ۲۰۰۲).

رویاری با سلطه استعماری فرانسه نخست از سوی طبقه اشراف و تحصیل‌کردگان ویتنامی آغاز شد، اما به دلیل نبود ارتباط مؤثر این طبقه با دهقانان و کشاورزان ویتنامی، دو دهه کوشش و نبرد آنها راه به جایی نبرد. رفته رفته، شرایط زندگی اسفناک مردم، وضع مالیات، اجاره سنگین زمین و چنگ انداختن مالکان بزرگ بر زمین‌های مرغوب کشاورزی در مناطق روستایی موجب شد تا احساسات ضد استعماری در میان مردم گسترش یابد (ابراهیم خانی، ۱۳۸۵، ۱۷).

در اوایل دهه ۱۹۲۰ احزاب ملی‌گرا خواستار بهبود شرایط زندگی و استقلال کشور شدند و هوشی مینه^۱، که یک ویتنامی ملی‌گرا و متأثر از مکتب کنفوسیوس و نیز اندیشه‌های مارکس و لنین بود، حزب کمونیست هند و چین را بنیان گذاشت. بسیاری از دانشمندان و روشنفکران میهن‌دوست ویتنامی، متأثر از همفکران چینی خود، دست به مبارزه با استعمارگران زدند و همین باعث شد که ویتنامی‌ها به یکی از پایه‌گذاران ادبیات ضداستعماری در جهان تبدیل شوند. این در حالی بود که برخی از روشنفکران ویتنامی، با مطالعه آثار اندیشمندان فرانسوی مانند روسو و منتسکیو به این نتیجه رسیده بودند که حضور نیروهای فرانسوی در ویتنام، می‌تواند زمینه‌ساز برپایی یک ساختار سیاسی مردم‌سالار با روش‌های مسالمت‌آمیز است (Frankum, 2011, 86-87).

با پایان جنگ جهانی نخست، هوشی مینه کوشش کرد تا با بهره‌گیری از تئوری‌های مارکسیستی و به ویژه آراء آراء مائو تسه دونگ^۲، رهبر کمونیست‌های چین، دهقانان ویتنامی را به خیزش در برابر اشغالگران فرا بخواند. این نبردها تا جنگ جهانی دوم و اشغال ویتنام به دست ژاپن ادامه یافت. به دنبال امضای پیمان ژنو در ۱۹۵۴ و پایان حضور استعماری فرانسه در این کشور، در حالی که بخش‌هایی از ویتنام از آن جدا شده و دو کشور لائوس و کامبوج از دل آن برآمده بودند، سرزمین اصلی ویتنام نیز به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم شد.

1. Ho Chi Minh
2. Mao Zedong

هوشی مینه جمهوری دموکراتیک ویتنام را در بخش شمالی راه اندازی کرد. بلافاصله برنامه اصلاحات ارضی به مرحله اجرا درآمد و ده‌ها هزار مالک دستگیر و زمینهای آنان پس از مصادره، در میان یک و نیم میلیون دهقان تقسیم شد. برنامه اصلاحات ارضی که بدون مطالعه دقیق از سال ۱۹۵۴ تا ۱۹۵۶ به اجرا درآمد، موجب ناآرامی‌های دهقانی گسترده‌ای شد؛ تا آنجا که حزب کمونیست به زیاده‌روی تشکیلات اصلاحات ارضی اذعان کرده و برنامه تازه‌ای را برای اصلاح اشتباهات انجام شده اعلام کرد و به اجرا درآورد (See: Tonnesson, ۲۰۱۱, Moise & ۲۰۱۷).

از سوی دیگر، در پی امضای پیمان ژنو، بائو دای^۱ پادشاه دست‌نشانده فرانسوی‌ها، نگو دین دیم^۲، سیاست‌مدار ویتنامی را که از پشتیبانی امریکا برخوردار بود، به نخست‌وزیری ویتنام جنوبی منصوب کرد. دیم در طول حکومتش از پشتیبانی‌های بسیار امریکا برخوردار شد و امریکایی‌ها از بیم گسترش کمونیسم در آسیای جنوب شرقی، توجهی ویژه به حکومت ویتنام جنوبی و شخص دیم داشتند و کمک مالی، سرباز و اسلحه به آن کشور می‌فرستادند (ابراهیم خانی، ۱۳۸۵، ۳۰). در برابر، بسیاری از کمونیست‌های ویتنام جنوبی، در اعتراض به حضور نظامی آمریکا در کشورشان، در قالب ارتش آزادی‌بخش خلق به مبارزه با دولت مرکزی و نیروهای نظامی خارجی پرداختند (See: Kort, ۲۰۱۷). دولت ژنرال دیم به مرور محبوبیت خود را از دست داد. تبعیض‌های مذهبی و گرایش حکومت دیم به سوی اقلیت کاتولیک و بی‌توجهی به اکثریت بودایی و نفی آزادی‌های سیاسی و دینی بودایی‌ها، رفته رفته به بحران داخلی تبدیل شد (See: Gettleman, ۱۹۹۵).

تداوم این وضعیت و احتمال از دست رفتن رشته امور و بیگانگی بیشتر مردم با حکومت در ویتنام جنوبی که موجب نزدیک‌تر شدن آنان به کمونیست‌ها و قدرت یافتن ویت کنگ و در نهایت یکپارچه شدن کشور زیر حاکمیت کمونیستی بود،

1. Bao Dai
2. Ngo Dinh Diem

رهبران امریکا را نگران ساخت. نتیجه این امر، کاهش پشتیبانی امریکا از رژیم دیم و کشته شدن وی و برادرش در کودتایی بود که به دست ارتشیان انجام شد.

سال‌های ۱۹۶۵ و ۱۹۶۶ دوران دولت‌های نافرجام و کودتاهای نظامی و غیرنظامی در ویتنام جنوبی بود. این حکومت‌ها همراه با به نمایش گذاردن تصویر دولت بی‌ثبات، روش‌های جابرانه حکومت دیم را ادامه دادند و رویگردانی بیشتر مردم ویتنام جنوبی را موجب شدند تا آنجا که تا ۱۹۶۶ کمونیست‌ها بیش از نیمی از قلمرو و جمعیت ویتنام جنوبی را در کنترل خود درآورده بودند. حضور چند میلیون سرباز امریکایی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در خاک ویتنام و بمباران گسترده مناطق نظامی و غیرنظامی ویتنام شمالی نیز نتوانست کمونیست‌های ویتنامی را از دفاع از آرمان‌های خود باز دارد (Gettleman & others, 1995, 121). با برون‌رفت تدریجی نیروهای نظامی امریکا از خاک این کشور در نیمه نخست دهه ۱۹۷۰ و کاهش کمک‌های مالی و نظامی به دولت ویتنام جنوبی، دست ارتش ویت کنگ برای پیشروی به سوی پایتخت ویتنام جنوبی باز گذاشته شد و سرانجام در بهار ۱۹۷۵ جنگ به پایان رسید.

سقوط سریع و دور از انتظار ویتنام جنوبی، سبب شد تا مقامات کمونیست ویتنام شمالی که هیچگونه طرح و برنامه قبلی برای ادغام دو ویتنام نداشتند، با مشکلات بسیاری رو به رو شوند. ماهیت نه چندان متجانس سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مردم شمال و جنوب و تلخی و نفرت دیرینه ناشی از چندین دهه خونریزی و جنگ مستمر، اوضاع نابه‌سامانی را برای ویتنام وحدت‌یافته رقم زد.

تا هنگام وحدت رسمی دو ویتنام در تابستان ۱۹۷۷ ویتنام جنوبی توسط دولت موقت انقلابی اداره می‌شد. به دلیل بی‌اعتمادی مقامات ویتنام شمالی به روشنفکران شهری ویتنام جنوبی، عده زیادی از کادرهای حزبی شمال برای تصدی امور به جنوب فرستاده شدند که ناخرسندی بسیاری میان فعالین سیاسی جنوبی که سال‌ها علیه حکومت ویتنام جنوبی جنگیده بودند، پدید آورد. برای جلوگیری از هرگونه شورش، دولت کمونیستی تصمیم گرفت تا جلوی فعالیت سیاسی همه احزاب را بگیرد. برآوردها گویای آن هستند که در پنج سال پس از سقوط سایگون، نزدیک به ۵۴۵ هزار تن از مردم ویتنام جنوبی با گریختن به کامبوج و یا فرار از راه دریا با

قایق‌های فرسوده، جلای وطن کردند (ابراهیم خانی، ۱۳۸۵، ۴۶) و (Moise, ۱۹۸۸, ۱۲).

بر سر کار آمدن حکومت کمونیستی در این کشور، روابط آن را با جهان سرمایه‌داری و کشورهای عضو جنبش عدم تعهد تا حدود زیادی تیره ساخت. حمله ویتنام به کامبوج در ۱۹۷۹، روابط این کشور با چین را نیز تیره ساخت و تنها متحد آن کشور در سال‌های جنگ سرد، اتحاد شوروی بود (See: Khoo, ۲۰۱۱).

در سال‌های نخست پس از پایان جنگ، فرار سرمایه‌داران از جنوب کشور و بیکاری گسترده در شهرهای جنوبی، کمبود مواد غذایی و کاهش تولیدات کشاورزی و صنعتی، زد و خوردهای مرزی با چین، کاهش توجه بلوک شرق به این کشور و همچنین وضع تحریم‌های اقتصادی توسط آمریکا، اقتصاد شکننده ویتنام را دچار چالش‌هایی جدی نمود که رفته‌رفته رخ نمایان کرد. اگرچه خسارات وارده به زیرساخت‌های صنعتی، عمرانی و اقتصادی در طول سال‌های جنگ از علل اصلی عقبافتادگی اقتصادی این کشور خوانده شده، اما بنا بر اعتراف دولت ویتنام، بحران حاد اقتصادی، نتیجه در پیش گرفتن سیاست‌های سوسیالیستی پس از وحدت دو ویتنام، به ویژه انجام اصلاحات ارضی و ملی کردن کارخانه‌ها و مجبور کردن میلیون‌ها تن از ویتنامی‌ها برای کار کردن در راستای برنامه‌های دولت، و نیز متأثر از فساد اداری و هزینه‌های سنگین نظامی و دفاعی بوده است.

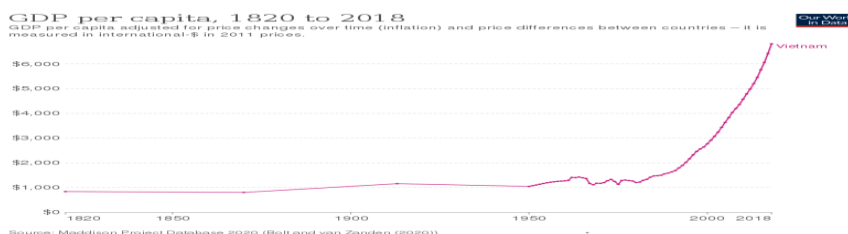
از نیمه دهه ۱۹۸۰، دولت ویتنام به جای اختیار کردن سیاست اصلاحات سیاسی شوروی که به فروپاشی این ابرقدرت انجامید، مشی اصلاحات چین را در پیش گرفتند که آزادسازی اقتصاد همراه با کنترل شدید سیاسی را در نظر داشت. اقتصاد این کشور که تا پیش از نوسازی اقتصادی به شدت داخلی بود و بازرگانی خارجی آن منحصر به صادرات محدود محصولات کشاورزی و شیلات و نفت خام می‌شد، با رویکرد اقتصادی جدید حکومت متنوع گردید (Greenfield, ۱۹۹۴, ۲). از ۱۹۸۶ دولت کمونیستی ویتنام تصمیم گرفت تا با انجام اصلاحات اقتصادی، انزوای سیاسی و اقتصادی این کشور را کنار گذاشته و درهای همگرایی با اقتصاد جهانی را به روی خود بگشاید (Phuc Van, ۲۰۱۴, ۵). این کشور در زمینه اصلاحات اقتصادی و اجرای سیاست درهای باز تا آنجا پیش رفت که به عضویت سازمان تجارت جهانی

درآمد و در جذب سرمایه‌گذاری خارجی موفق عمل کرد. این امر توانست به شکل‌گیری وابستگی متقابل اقتصادی میان ویتنام با ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا، به عنوان مهم‌ترین شرکای بازرگانی این کشور، بیانجامد (ن ک به: رحیمی بدر و مبارک، بهمن و اسفند ۱۳۸۸).

اقتصاد ویتنام از زمان آغاز اصلاحات در ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۳ عملکرد مطلوبی را به نمایش گذارد. در این دوران، نرخ رشد اقتصادی در ویتنام به بالای هفت درصد رسید که یکی از بالاترین رقم‌ها در میان کشورهای جهان بود. دولت همچنین با متعهد ساختن خود به نوسازی اقتصادی، اقتصاد متمرکز را به کناری نهاد. آزاد نمودن قیمت‌ها، شناور ساختن واحد پول ملی، تصویب قانون مالکیت خصوصی، خصوصی‌سازی تدریجی و اصلاح ساختار بانکی، زمینه مساعدی را برای سرمایه‌گذاری خارجی فراهم کرد (پیشین).

اما از ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۹ این اصلاحات اقتصادی با بیکاری گسترده و بحران‌های اجتماعی و افزایش کسری پرداخت‌ها همراه شد. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی که موتور محرک اقتصاد نوین ویتنام به شمار می‌آمد، از مجموع ۸/۳ میلیارد دلار طرح‌های تعهد شده در ۱۹۹۶ به ۱/۶ میلیارد دلار در ۱۹۹۹ کاهش یافت و دولت ویتنام ناگزیر شد تا برای حفظ جذابیت کشور نزد سرمایه‌گذاران خارجی، اصلاح ساختار اقتصادی و رفع موانع و مقررات دست و پا گیر داخلی را در دستور کار خود قرار دهد (See: Gallup, ۲۰۰۲ & Tho Van, ۲۰۰۳).

با گذر از سال ۲۰۰۰، وضعیت اقتصادی ویتنام رو به بهبود گذارد. بازرگانی خارجی دوباره رونق گرفت و حجم تولیدات داخلی و صادرات فزونی یافت. رشد تولید ناخالص داخلی ویتنام در فاصله سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۳ به ۶ تا ۷ درصد و در ۲۰۰۳ به ۷/۷ درصد رسید. رشد اقتصادی این کشور در سال ۲۰۱۷ معادل ۷,۱۶ درصد بوده



است 11 (Vietnam Banking Finance News, December 29,) 2020. با این همه، رشد اقتصادی سریع، به نابرابری درآمدها و تبعیض‌های جنسیتی در میزان درآمدها، دامن زده است. در واقع، ویتنام با وجود پیشرفت‌های چشمگیر در دهه‌های اخیر و در حالی که یکی از بالاترین نرخ‌های رشد اقتصادی در میان کشورهای جهان در سده بیست و یکم را داشته و پیش‌بینی می‌شود که تا ۲۰۵۰ به رقابت با کشورهای توسعه یافته بپردازد، همچنان یکی از کشورهای فقیر آسیایی به شمار می‌رود. برنامه اصلاحات اقتصادی با نام دوی موی^۱ که ویتنام را در سده اخیر به بیست و یکمین صادرکننده بزرگ جهان تبدیل کرده و زمینه آزادسازی تجارت خارجی و تغییر کامل نظام بانک‌داری را فراهم آورده، نتوانسته تغییرات بنیادین در نظام سیاسی و اجتماعی این کشور پدید آورد. در ۲۰۲۰ پولیتبورو اعلام کرد که بانک مرکزی ویتنام دچار فساد شدید و ناکارآمدی مدیریت گسترده است. در زمینه مالکیت خصوصی، دولت همچنان مالک بسیاری از زمین‌هاست و حدود ۹۰ درصد از بخش‌های اقتصادی خصوصی شده، به رهبران پیشین حزب یا فرزندان ایشان داده شده است. درآمد سرانه هر ویتنامی در سال ۲۰۲۰ حدود ۸۲۰۰ دلار در سال (رتبه ۱۴۹ در جهان) بوده و اگرچه سازمان ملل متحد ویتنام را برای دنبال کردن بند مربوط به فقرزدایی در اهداف ۱۷ گانه توسعه هزاره تشویق کرده است، بنا به آمارهای رسمی، حدود ۶,۷ درصد مردم این کشور در زیر خط فقر زندگی می‌کنند، CIA World Factbook, (2022) July.

در مجموع، اقتصاد ویتنام به رغم برخورداری از نیروی کار فراوان، تحصیل کرده و سخت‌کوش، و در حالی که امید به زندگی در این کشور در سال‌های اخیر افزایش یافته و دارای باکیفیت‌ترین نظام آموزشی در میان ده کشور عضو آسه آن در جنوب شرقی آسیا است، اما همچنان با مشکل دستمزد اندک نیروی کار، بیکاری، فساد گسترده، زیرساخت‌های فرسوده، تورم بالا، و تبعیض قومی و مذهبی چشمگیر در اختصاص فرصت‌های اقتصادی دست به گریبان است. آلودگی شدید هوا و نابودی محیط زیست از دیگر مشکلات اقتصادی و اجتماعی در این کشور به شمار می‌روند.

1. Đổi Mới

به دنبال اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی سریع، حدود هشتاد درصد جنگل‌ها از میان رفته‌اند و شکاف عمیق‌تر میان شهر و روستا پدید آمده است.

نگاهی به ویژگی‌های ساختار سیاسی دولت در ویتنام

از نظر ویژگی‌های ساختار سیاسی دولت در این کشور، باید گفت که از هنگام تشکیل جمهوری سوسیالیستی ویتنام در ۱۹۷۷، با وجود تشکیلات گوناگون دولتی و حکومتی، اقتدار واقعی و هدایت امور در ویتنام در انحصار حزب کمونیست بوده است و همه تصمیم‌های مهم مرتبط با قانون‌گذاری و امور کشوری و لشگری، از سوی این حزب و به‌ویژه توسط اعضای دفتر سیاسی حزب گرفته شده و به نهادهای حکومتی ابلاغ می‌شوند. همه مقامات و صاحب‌منصبان دولتی و نظامی، عضو حزب کمونیست هستند. سوگیری حزب کمونیست، توسط کنگره که هر پنج سال یک بار برای گرفتن تصمیم‌های بسیار حیاتی و مهم تشکیل می‌شود، تعیین می‌گردد. کنگره حزب، اعضای کمیته مرکزی را انتخاب می‌نماید. کمیته مرکزی حزب کمونیست، اعضای دفتر سیاسی را که عالی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری کشور است، انتخاب می‌کند. دبیرکل حزب نیز توسط دفتر سیاسی کمیته مرکزی انتخاب می‌شود. دبیرکل، عالی‌ترین مقام حزب و به تعبیری، قدرتمندترین شخص کشور است و اگرچه از حیث رسمی و بین‌المللی دارای جایگاه دولتی نیست، اما به لحاظ اقتدار داخلی از سوی کشورهای خارجی به عنوان شخص اول کشور خوانده می‌شود (BTI, ۲۰۲۲).

به موجب قانون اساسی سال ۱۹۸۰ ویتنام، مجلس ملی تنها مرجع قانون‌گذاری و عالی‌ترین رکن کشور است. مجلس ملی از حدود ۵۰۰ عضو تشکیل شده که با رأی مستقیم مردم و برای یک دوره پنج ساله انتخاب می‌شوند. مجلس وظیفه آغاز و پایان جنگ، بررسی و تصویب قوانین، اصلاح قانون اساسی، بررسی و تصویب برنامه‌های دولت و بودجه سالانه، وظیفه انتخاب و برکنار نمودن اعضای شورای حکومت و شورای وزیران، انتخاب رئیس دیوان عالی و رئیس کل نهاد عالی نظارتی خلق و نظارت بر فعالیت آنها را بر عهده دارد (Ibid).

همچنین به موجب قانون اساسی، رئیس‌جمهور به عنوان رئیس کشور، در امور داخلی و خارجی ویتنام نمایندگی خواهد نمود و از سوی مجلس ملی و از میان نمایندگان مجلس انتخاب شده و در برابر مجلس مسئول است. دوره تصدی رئیس‌جمهور،

معادل دوره مجلس ملی است. رئیس‌جمهور فرمانده کل نیروهای مسلح است و ریاست شورای امنیت و دفاع را بر عهده دارد. مطابق با قطعنامه‌های مجلس ملی و یا کمیته‌های دائمی مجلس، رئیس‌جمهور از اختیار عزل و نصب اعضای دولت و اعلان جنگ و یا وضع حالت فوق‌العاده برخوردار است. قانون اساسی ویتنام همچنین تصریح دارد که دولت از نخست‌وزیر، معاونان نخست‌وزیر، وزرا و دیگر اعضا تشکیل می‌شود. نخست‌وزیر باید عضو مجلس ملی باشد اما این الزام شامل وزرای کابینه نمی‌شود (Ibid).

ویتنام به ۵۸ استان و پنج کلان‌شهر تقسیم شده است. هر یک از این بخش‌های اداری، دارای یک شورای خلقی و یک کمیته خلقی هستند. شوراهای خلقی بیانگر حاکمیت محلی کشور و عالی‌ترین نهاد نظارتی در استان‌ها به شمار می‌آیند. این شوراهای محلی به طور مستقیم اعمال مدیریت نمی‌کنند و وظیفه آنها تشکیل کمیته خلقی و انتخاب اعضای این کمیته‌ها است که به عنوان نهادهای اجرایی عمل کرده و وظایف مدیریتی داخلی را برعهده دارند. اعضای شورا با رأی مردم انتخاب می‌شوند و طبیعتاً مورد تأیید حزب کمونیست هستند. شوراهای خلقی همچنین از رعایت شدن قوانین و مقررات در طرح‌ها و بودجه‌های محلی اطمینان حاصل کرده و وظیفه نظارت بر حفظ و توسعه نیروهای مسلح محلی را برعهده دارند (Factbook World CIA, January ۲۰۲۲).

با آنکه ویتنام همچنان از نظر قانونی، کشوری تک‌حزبی و کمونیستی باقی مانده، پایبندی به چارچوب‌های عقیدتی در زمینه توسعه اقتصادی به عنوان اولویت ملی، از اهمیت کمتری برخوردار است و اشاره به برخی واژه‌های رایج کمونیستی و سوسیالیستی در قوانین و سوگیری‌های سیاسی، تنها با هدف حفظ ساختار سیاسی متمرکز صورت می‌پذیرد و اصل و مبنای اقتصاد سرمایه‌داری و آزاد، مورد قبول و تأیید حزب کمونیست و دولت و رهبران ارشد کشور است (BTI, ۲۰۲۲).

از نظر فعالیت‌های حزبی، حزب کمونیست ویتنام^۱ تنها حزب مجاز و قانونی در این کشور است و فعالیت هرگونه حزب و تشکل سیاسی غیرکمونیستی ممنوع است. این

1. Dang Cong San Viet Nam

حزب در سال ۲۰۲۱ بیش از ۵,۳ میلیون عضو رسمی داشته است (Xinhuanet, January 18, 2022). حزب کمونیست جدای از تسلط کامل بر دولت و اداره امور کشور، در امور اجتماعی و روابط روزمره مردم نیز حضوری پر رنگ دارد و شبکه‌ای از کادرهای حزبی در تقریباً همه لایه‌های اجتماعی حضور با اقتداری را حفظ کرده‌اند. همه شهروندان ویتنامی باید با یکی از سازمان‌های توده‌ای وابسته به حزب مرتبط باشند. همه مدیران دولتی و مقامات لشگری در برابر نمایندگان حزب کمونیست مسئول و پاسخگو هستند (See: Gaisborough, ۲۰۰۲).

حزب کمونیست ویتنام تشکل‌های گوناگونی را در زیر مجموعه خود هدایت می‌کند. همه اتحادیه‌ها و تشکل‌های صنفی و کارگری و دانشجویی در ویتنام وابسته به حزب کمونیست هستند و مشی حزب را دنبال و اعمال می‌نمایند. رهبران و رؤسای این تشکل‌ها همگی از مقامات حزبی هستند و در هماهنگی کامل با سیاست‌های حزب کمونیست و مشی دولت عمل می‌کنند. مهم‌ترین تشکل وابسته به حزب کمونیست، جبهه میهنی ویتنام^۱ است که همه جنبش‌های توده‌ای طرفدار دولت و حزب کمونیست را زیر پوشش خود دارد. دولت ویتنام این جبهه را بنیان سیاسی قدرت مردمی و وظیفه آن را گسترش همبستگی ملی و وحدت فکری در موضوعات اجتماعی توصیف می‌کند و اجرای بسیاری از برنامه‌های اجتماعی خود، از جمله برنامه فقرزدایی را به این جبهه واگذار کرده است. جبهه میهنی ویتنام همچنین مسئولیت اجرای سیاست‌های دینی و مذهبی دولت را برعهده داشته و شماری از گروه‌های رسمی دینی را زیر پوشش دارد. جبهه میهنی، نماینده مردم خوانده می‌شود و قانون اساسی و همچنین قوانین عادی ویتنام نقشی ویژه برای جبهه میهنی قائل شده‌اند و همراه با خواندن جبهه به عنوان نماینده مردم، مجوز دخالت و نظارت در امر انتخابات را در اختیار جبهه میهنی گذاشته‌اند. بر همین پایه، تقریباً همه نامزدهای شرکت در انتخابات، از سوی جبهه معرفی و تأیید می‌شوند. کنفدراسیون عمومی اتحادیه‌های کارگری و اتحادیه جوانان کمونیست هوشی مین، از دیگر گروه‌های زیر پوشش جبهه میهنی ویتنام هستند (Onyx, 2008, 219) (Hasan &).

1. Vietnam Fatherland Front

با توجه به این که هیچ حزب و تشکل سیاسی به غیر از حزب کمونیست مجاز به حضور و فعالیت در درون کشور نیست، احزاب و گروه‌های مخالف همگی در بیرون از مرزها و بیشتر در کشورهای اروپایی، امریکا و استرالیا هستند و تحرکاتی محدود و پراکنده و بدون تأثیرگذاری چشمگیر مانند راهپیمایی و بمب‌گذاری را در درون ویتنام علیه دولت کمونیستی سامان داده‌اند. دولت ویتنام این گروه‌ها و احزاب را غیرقانونی خوانده و همواره از دولت‌های میزبان خواسته مانع فعالیت‌های آنان شوند. مهم‌ترین این گروه‌ها عبارتند از اتحاد ویتنامی مشروطه سلطنتی^۱، حزب اقدام خلق ویتنام^۲، بنیاد مونتاگنارد^۳ و دولت ویتنام آزاد^۴ که مسئولیت برخی عملیات‌های تروریستی در داخل ویتنام را برعهده گرفته است (Ibid, ۲۲۱).

از نظر جایگاه نیروهای مسلح در ساختار سیاسی قدرت، با وجود پایان جنگ و حاکم شدن آرامش نسبی و روبرو نبودن ویتنام با تهدید نظامی جدی، نیروهای مسلح و نظامیان همچنان اهمیت و اقتدار داخلی و احترام خود میان مردم را حفظ کرده و نقش مهمی در سیاست‌گذاری‌ها و هدایت امور برعهده دارند. بیشتر مقامات ارتشی، حکومتی و حزبی ویتنام، کهنه‌کاران جنگ و از نظامیان پیشین هستند. همه مقامات لشگری از اعضای برجسته حزب کمونیست بوده و یا به نحوی با حزب کمونیست و تعلیمات آن مرتبط هستند. حضور نظامیان در میان نمایندگان مجلس ملی نیز چشمگیر است (BTI, ۲۰۲۲).

در این میان، نگهداری ساختار سیاسی همراه با توسعه اقتصادی کشور، مهم‌ترین هدف حزب کمونیست ویتنام در سال‌های اخیر بوده و همه سیاست‌گذاری‌ها، به دور این دو محور شکل گرفته‌اند. از آنجا که از دید رهبران ویتنامی، حفظ ساختار سیاسی کشور در گرو بهبود وضعیت اقتصادی و گشایش در معیشت مردم است، سیاست خارجی نیز بیشتر تحت تأثیر ملاحظات اقتصادی بوده است. برخی تنگناها و اجبارهای اقتصادی و توجه به منافع طولانی مدت و پای نهادن در راه غیرقابل

-
1. Vietnamese Constitutional Monarchist League
 2. People Action's Party of Vietnam
 3. Montagnard Foundation
 4. Government of Free Vietnam

بازگشت اصلاحات اقتصادی موجب شده دولتمردان ویتنامی در برابر ارائه کمک‌های اقتصادی و مالی و فنی خارجی، نرمش‌هایی نشان داده و از اصول عقیدتی و ملی خود، به صورت مقطعی یا تاکتیکی، عدول نمایند.

از نظر توجه به کیش شخصیت در این کشور، باید گفت که در ویتنام به طور رسمی درباره ویژگی‌های فردی و توانایی‌های ذاتی رهبران و شخصیت‌ها تبلیغی انجام نمی‌شود و برجستگی‌های شخصیتی و توانایی‌های کاری فرد، تنها در قالب عملکرد وی در مسیر اهداف حزب کمونیست انعکاس می‌یابد. هوشی مین، رهبر و بنیان‌گذار ویتنام نوین از این امر مستثنی است و تبلیغ پیرامون افکار، مرام و زندگی وی، گاه در حد افراط در سطوح گوناگون انجام می‌شود.

چهره‌های سیاسی و مسئولین دولتی و حزبی در ویتنام به ظرفیت شخصی خود فاقد جایگاه و اقتدار و توان تأثیرگذاری هستند و معروفیت آنها تا هنگامی پایدار است که در سمت‌های رسمی باشند. به سخن دیگر، اقتدار و کفایت شخصی بدون تأیید حزب کمونیست، پشتوانه سیاسی و اجتماعی همیشگی به شمار نمی‌آید و بسیار رخ داده که سرشناس‌ترین چهره‌های سیاسی، دولتی یا نظامی به دلیل تغییر فضا در حزب کمونیست، از مسئولیت‌های مهم خود کنار گذاشته شده و بدون جنجال از صحنه رفته‌اند؛ بی آنکه در پی درست کردن جناح و گروه برای حفظ موقعیت خود و یا بازگشت به صحنه قدرت و حکومت برآیند (ابراهیم خانی، ۱۳۸۵، ۸۳).

از نظر رعایت حقوق بشر، از میانه دهه ۱۹۵۰، دولت‌های ویتنام شمالی و جنوبی مشی برخورد متفاوتی را با اقلیت‌های نژادی و مذهبی پیشه کردند. در حالی که کمونیست‌های شمالی شیوه اعطای برخی خودمختاری‌ها و قائل شدن رسمیت برای زبان و فرهنگ آنان به امید جذب تدریجی ایشان در جامعه بزرگتر ویتنامی را برگزیدند، ویتنام جنوبی شیوه اعمال حکومت از مرکز و اسکان دوباره کاتولیک‌های رانده شده از شمال در زمین‌های اجدادی اقلیت‌های قومی در مناطق مرتفع مرکزی را اختیار نمود (BTI، ۲۰۲۲).

امروزه، به دلیل روحیه تحمل‌پذیری عامه مردم و نیز اقتدارگرایی و توفیق دولت در حاکم ساختن نظم و قانون در کل کشور، با وجود گوناگونی نژادی بی‌شمار میان اقوام در ویتنام، روابط اجتماعی میان آنان در این کشور نسبتاً عادی بوده و خطری بالقوه

برای ثبات و امنیت کشور به شمار نمی‌روند. اما مسأله اقلیت‌های نژادی در ویتنام و مطالب منتشر شده پیرامون فشارها و تبعیض‌های حکومتی نسبت به آنان در سال‌های اخیر، به اهرم فشارهای دولت‌های غربی و سازمان‌های غیردولتی اروپایی و امریکایی و همچنین برخی سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی علیه دولت ویتنام و موضوع مطرح در گفتگوهای دوجانبه و چندجانبه ویتنام با این کشورها تبدیل شده است.

از نظر آزادیهای مذهبی، از سال ۱۹۵۴ در بخش شمالی و از سال ۱۹۷۵ در کل ویتنام پیروان مذهب کاتولیک با محدودیت روبرو شدند و کلیساها و دیگر مراکز آنها تعطیل و در اختیار دولت گذاشته شد. بودائیان نیز چه در دوران پیش از وحدت دو ویتنام و چه پس از آن، همواره زیر فشارهای دولتی بوده‌اند (Reporters without Borders, July 2008). از سال ۱۹۹۰ دولت ویتنام مشی منعطف‌تری در برابر کاتولیک‌ها در پیش گرفت و مسیحیان این کشور با پشتیبانی دولت‌های غربی و کمک‌های تشکیلات مسیحی بیرون از کشور، با وجود ناخرسندی دولت ویتنام، در حال بازسازی کلیساها و دیگر اماکن کاتولیک‌ها هستند.

در ویتنام امروز، سختگیری‌ها نسبت به دین‌داران کمتر شده و گرایش به سوی دین، به ویژه در میان زنان رواج یافته و این گرایش بیشتر معطوف به آئین بودا است. بیشتر مردان، به ویژه در بخش شمالی ویتنام، بدون اعتقاد دینی هستند و چند دهه حاکمیت کمونیستی و تبلیغات ضد دین در مراکز آموزشی این کشور، تأثیر قابل توجهی در بی‌دینی بخش بزرگی از جمعیت برجا گذاشته است. در مجموع، فعالیت‌های دینی در ویتنام در چارچوب منافع ملی و محدودیت‌های وضع شده از سوی حزب کمونیست قابل تحمل است و تشکل‌های دینی و مذهبی فعال در ویتنام حساسیت‌های حکومتی را مراعات می‌کنند و مسئولین این تشکل‌ها غالباً دارای ارتباط نزدیک با نهادهای حکومتی هستند.

به این ترتیب، پیروی از دین و آئینی خاص، امتیازی حکومتی به شمار نمی‌رود و به سبب ساختار کمونیستی حکومت، وابستگی آشکار به ادیان، نکته‌ای منفی است. همچنین به سبب پیشینه استعماری ترویج دهندگان مسیحیت و ارتباط کلیسا با مراکز قدرت دینی و سیاسی در اروپا و امریکا، آن دسته از وابستگان به دستگاه‌های دولتی

که به این دین گرایش یابند، با احتمال از دست دادن شغل روبرو می‌شوند (USIP Fact Sheet, April 20, 2022)

از نظر آزادی مطبوعات، باید گفت که رسانه‌ها در ویتنام همگی زیر نظر حزب کمونیست و نهادهای حکومتی فعالیت نموده و مشی رسمی را دنبال می‌نمایند و به ویژه در زمینه موضوعات ملی و بین‌المللی، پیرو دیدگاه‌ها و سیاست‌های رسمی هستند. مطابق قانون مطبوعات، هرگونه زیر پرسش بردن مشروعیت دولت مردمی و تبلیغات علیه نظام جرم خوانده می‌شود. با این همه، رسانه‌ها در ویتنام در مقایسه با دیگر کشورهای کمونیستی از آزادی عمل بیشتری برخوردار بوده و مطالب خواندنی و جالب توجه برای مخاطبین خود فراهم می‌آورند که بیشتر درباره مسائل جنجالی غیرسیاسی، افشای گناه و بیگانه سوء استفاده‌های برخی مقامات دولتی و مفساد اجتماعی و اقتصادی هستند. رسانه‌ها و به ویژه مطبوعات در اجرای قوانین سیاست‌های جدید داخلی نقش مهمی بازی می‌نمایند و بارها رخ داده که طرح و لایحه‌ای با توجه ویژه مطبوعات و مطرح شدن ایرادها و نقایص آن، مورد بررسی دوباره و تجدید نظر قرار گرفته است. پرداختن به اخبار و مطالبی درباره بی‌کفایتی برخی مسئولین دون پایه، قطع برق، گسترش مواد مخدر در میان نسل جوان، فساد اداری، قاچاق، فحشا و نیز ضرورت تسریع در اصلاحات اقتصادی، امری تقریباً عادی در مطبوعات امروزی ویتنام است و نشریات چاپ شهر هوشی مین در این زمینه پیشتاز هستند (Ibid).

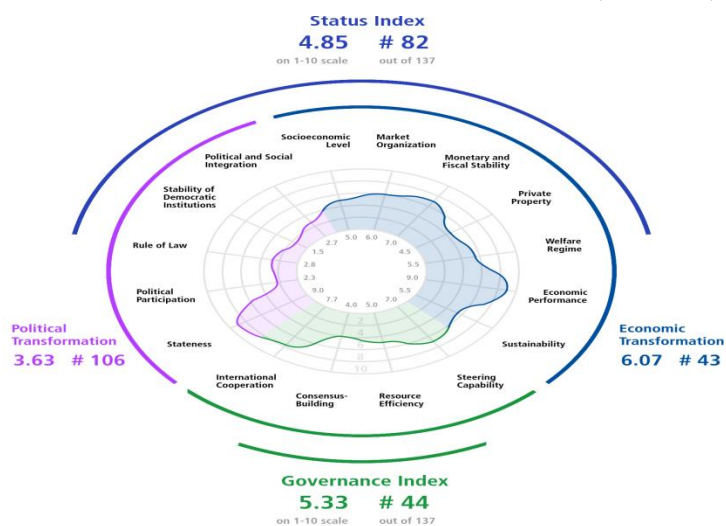
خبرنگاران و گزارشگران مطبوعات در ویتنام از نفوذ قابل توجهی برخوردار هستند و دادن هدیه به خبرنگاران از سوی مسئولین برخی نهادهای دولتی و مسئولین شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی و بازرگانی ویتنامی برای جلب نظر ایشان و یا نوشتن گزارش‌های مثبت و یا پرهیز از افشای سوء استفاده‌ها در این نهادها و بنگاه‌ها، امری معمول به شمار می‌رود و گهگاه اخباری دال بر تحت پیگرد قرار گرفتن خبرنگار یا مدیر مسئول روزنامه یا نشریه‌ای به اتهام اخاذی از مقامات و مسئولین دولتی و اقتصادی و تهدید آنان به تخریب شخصیت و یا افشای نکات منفی آنان در رسانه‌ها منتشر می‌شود.

از آنجا که سردبیران همه روزنامه‌ها و نشریات ویتنامی عضو رسمی حزب کمونیست و مورد اعتماد حاکمیت هستند، مسئولیت مطالب منتشره مستقیماً برعهده آنان نهاده شده و به همین علت، تخلف از مقررات به ندرت رخ می‌دهد. با این‌همه، مشکلات ناشی از خروج از محدوده مجاز تعیین شده در فعالیت‌های مطبوعاتی گاه دامن‌گیر برخی روزنامه‌ها و مجلات و همچنین مسئولین و نویسندگان شده و مجازات‌هایی چون توقف انتشار و برکناری مسئولین و یا زندان و جریمه را به دنبال داشته است (BTI, ۲۰۲۲).

در حوزه کتاب، وزارت فرهنگ و نشریات ویتنام مسئول نظارت بر چاپ و نشر کتاب و فعالیت بنگاه‌های انتشاراتی است. چاپ و نشر کتاب در ویتنام تابع ممیزی غیرمنعطف حکومتی است، اما با وجود نظارت و کنترل دولتی، کتاب‌های فراوانی به طور غیرقانونی و در تیراژ بالا به چاپ رسیده و به دست علاقمندان می‌رسند. رادیو و تلویزیون در ویتنام دو نهاد جداگانه و بازگوکننده دیدگاه‌ها و سیاست‌های رسمی دولت و حزب کمونیست ویتنام هستند. رادیو و تلویزیون نیز زیر نظارت وزارت فرهنگ و نشریات فعالیت می‌کنند اما مدیران کل این دو سازمان از اعضای حزب کمونیست هستند و توسط نخست‌وزیر منصوب می‌شوند. آژانس خبری ویتنام نیز تنها خبرگزاری کشور است که فعالیت گسترده‌ای در امر اطلاع‌رسانی رسمی برعهده دارد. مدیر کل آژانس خبری ویتنام از اعضای حزب کمونیست و منصوب نخست‌وزیر است و سیاست‌های خبری حزب کمونیست و دولت را اعمال می‌نماید. خبرنگاران و نمایندگان آژانس‌های خبری خارجی معمولاً از موانع رسمی فعالیت در ویتنام گلایه داشته و مقررات دست و پا گیر و نبود امکان رفت و آمد آزادانه و گفتگو با مردم و همچنین کنترل نهادهای امنیتی را مانع فعالیت و اطلاع‌رسانی آزاد می‌دانند (Ibid).

در حوزه فضای مجازی نیز با توجه به این که رسانه‌های جمعی در ویتنام دولتی هستند و هیچ رسانه مخالفی در این کشور فعالیت نمی‌کند، با فراگیرشدن کاربرد اینترنت، مخالفین حکومت فعالیت‌های خود را از این راه ادامه داده‌اند. دولت نیز به رویارویی پرداخته و همه اطلاعات ورودی شبکه را کنترل می‌کند و بسیاری از سایت‌ها را فیلتر کرده است. اگرچه اینترنت در سال‌های اخیر توانسته بود فضایی

تنفسی برای جامعه مدنی فراهم کند، اما قانون امنیت سایبری که از سال ۲۰۱۸ نوشته شد، از سال ۲۰۲۰ به اجرا درآمد و به کنترل بیشتر فضای مجازی انجامیده است. در دو دهه اخیر، صدها بلاگر و فعال اینترنتی در این کشور دستگیر شده اند. عفو بین‌الملل در گزارش‌های سالانه خود، از آنان به عنوان «زندانیان آگاه» نام برده است (Amnesty International, April 17, 2022) گزارشگران بدون مرز نیز از سال ۲۰۰۸ ویتنام را پانزدهمین «دشمن اینترنت» در جهان خوانده است. (BBC News, 2009 without Borders, July 2008) در سال ۲۰۲۱ گزارشگران بدون مرز رتبه آزادی مطبوعات در ویتنام را در میان ۱۸۰ کشور جهان، ۱۷۴ اعلام کرد و آن را یکی از نگران‌کننده‌ترین آمارها در جهان خواند (BBC News, 2021 without Reporters, Dec 16, 2021).



در نمودار بالا که توسط یکی از مؤسسات مطالعاتی آلمان تدوین شده، میزان کامیابی در توسعه اقتصادی و ناکامی در توسعه سیاسی در ویتنام بر پایه ۱۶ شاخص به خوبی نمایش داده شده است (BTI, ۲۰۲۲).

نسبت میان نظریه‌های توسعه سیاسی و وضعیت توسعه سیاسی دولت در ویتنام

1. Prisoners of Conscience

با بررسی شرایط موجود در جامعه ویتنام از ۱۹۷۵ تا ۲۰۲۲ که زمینه دولت‌مندی^۱ در کشور ویتنام فراهم آمده و حزب - دولت کمونیست بر امور سیاسی کشور فرمان رانده، این‌طور به نظر می‌رسد که برخلاف نظریه‌های کلاسیک توسعه، بالا رفتن سطح سواد و آگاهی و رفاه اقتصادی مردم در ویتنام، نتوانسته است زمینه‌ساز افزایش مشارکت سیاسی آنان در ساختار سیاسی این کشور شود. در واقع، از پنج طبقه اصلی که برینگتون مور بر این باور بود که می‌توانند زاینده مردم‌سالاری در یک جامعه باشند، هیچکدام در جامعه ویتنام نتوانسته‌اند دست به توسعه سیاسی دولت بزنند. زمین‌داران بزرگ از دهه ۱۹۵۰ و به همراه پا گرفتن حزب کمونیست ویتنام رفته رفته از شمارشان کاسته شد. طبقه کارگران روستایی اگرچه بیش از ۶۰ درصد نیروی کار در ویتنام را تشکیل می‌دهند (CIA World Factbook, January 2022) و خواهان رفع تبعیض‌های موجود هستند، اما توان و آگاهی پیش بردن ایده توسعه سیاسی دولت را همچنان ندارند. طبقه کارگران شهرنشین نیز اگرچه از سطح امکانات بالاتری برخوردارند و می‌توان انتظار داشت که انگیزه و آگاهی بیشتری برای پیشبرد برنامه‌های توسعه سیاسی داشته باشند، اما هنوز شمارشان اندک است و اغلب نیز همان مهاجران روستایی هستند که برای کار در بخش ساخت‌وساز به شهرها آمده‌اند. از سوی دیگر، کنفدراسیون سراسری کارگران ویتنام نیز زیر نظر حزب کار می‌کند و هیچ اتحادیه کارگری مستقلی در این کشور به چشم نمی‌خورد. طبقه چهارم، بورژوازی است که موضعش در برابر خواسته‌های مردم‌سالارانه چندان روشن نیست و بیشتر ترجیح می‌دهد منافعش را از راه همکاری با حزب - دولت تأمین کند. در واقع، در ویتنام طبقه بورژوازی هنوز نوپاست و بیشتر شامل مقامات دولتی پیشین یا فرزندان مقامات کنونی می‌شود که برای گرفتن مجوزها و زمین و سرمایه و غیره به دولت وابسته‌اند. بنابراین برخلاف نظر مور، این طبقه هم نمی‌تواند به دنبال برنامه‌های توسعه سیاسی دولت و برپایی مردم‌سالاری باشد. پنجمین گروه اجتماعی، حقوق‌بگیران و طبقه متوسط هستند. اینان به دو گروه کارمندان دولت و کارمندان شرکت‌های خارجی تقسیم می‌شوند که هر دو گروه همچنان ارتباط از بالا به پایین

1. Stateness

خود با حزب - دولت را حفظ کرده‌اند و حتی برخی از آنها شریک فسادهای دولتی هم هستند.

حتی اگر در نظر بگیریم که ماهیت قدرت دولت و تمایل آن به نزدیکی به ملت نیز در پیشبرد برنامه‌های توسعه سیاسی می‌تواند مهم باشد، در ویتنام یک دولت مقتدر سوسیالیستی بر سر کار است که کنترل همه نهادها را به دست دارد و ارتش و پلیس قوی همه جا حضور چشمگیر دارند.

همچنین کوشش‌های دولت برای فراهم آوردن زمینه توسعه اقتصادی و باز گذاردن بازارهای داخلی به روی سرمایه‌گذاری‌های خارجی، که زمینه‌ساز آهنگ رشد بالای اقتصادی در این کشور شده نیز اگرچه توانسته ویتنام را از فقر اقتصادی ناشی از سال‌ها جنگ برهاند، اما پایه‌های اقتدارگرایی سیاسی را نیز، به پشتوانه پیشرفت‌های نسبی اقتصادی، محکم‌تر کرده است. در واقع، آنچه توانسته است از میزان برخوردها میان مخالفان مشی سیاسی حاکم و دولتمردان ویتنامی بکاهد، نه توسعه سیاسی و اقتصادی، بلکه تداوم سرکوب معترضان در این کشور بوده است.

با نگاهی به چهار شاخص اصلی کارل دویچ در فراهم آوردن زمینه بسیج جامعه نیز می‌توان دید که مردم ویتنام اگرچه از نظر اقتصادی دارای شرایط زیست بهتری هستند، اما از نظر فرهنگی امکان دسترسی به اطلاعات آزاد را ندارند و آزادی بیان و مطبوعات در این کشور بسیار محدود است. از نظر اجتماعی نیز نه تنها حقوق بشر در بسیاری از موارد برخلاف قوانین موجود نقض می‌شوند، بلکه آزادی‌های مدنی نیز در دهه‌های اخیر به شدت محدود بوده‌اند و این امر سبب مهاجرت صدها هزار ویتنامی به دیگر کشورها شده است. اقلیت‌های قومی و مذهبی نیز به صورت سیستماتیک مورد تبعیض‌های سیاسی و اقتصادی بوده‌اند. از نظر جمعیتی نیز هنوز نزدیک بیش از ۶۰ درصد مردم در روستاها زندگی می‌کنند و از نظر سیاسی، تنها امکان مشارکت سیاسی از راه فعالیت در چارچوب حزب کمونیست امکان‌پذیر است. به این ترتیب، الیگارش‌ی تمامیت‌خواه در این کشور با تکیه بر آموزه‌های سیاسی کمونیسم، مشروعیت سامانه سیاسی خود را فراهم آورده و به جای انجام نوسازی سیاسی در ساختارهای موجود، می‌کوشد تا با بسیج سیاسی توده‌ها، آنان را در خدمت توسعه اقتصادی هدایت شده و مطلوب خود قرار دهد. این نوع از بسیج همگانی،

مستلزم وجود حزبی واحد و متصلب همراه با شبکه‌ای از ارتباطات اجتماعی خاص است (بدیع، ۱۳۷۶، ۶۶)، که هم اکنون نمونه آن در ویتنام به چشم می‌خورد. این وفاداری اجباری عامه همراه با توسل به زور، امکان پیروز شدن بر بسیاری از مشکلات را برای دولت فراهم آورده و خواست پیوسته تکرار شده رسیدن به اهداف عالی (برابری، عدالت و ثروت) و درخواست از خودگذشتگی موقت (درآمد اندک، نابرابری سیاسی، آزادی‌های محدود و غیره) را در نزد مردم موجه جلوه داده است. در همان حال، مجموعه‌ای از دستورهای سخت گیرانه، موجب کاهش دسترسی آزاد مردم به اطلاعات و پیروی آنان از دستورهایی شده که به گونه‌ای مقتدرانه از سوی نخبگان حکومتی داده شده‌اند.

از سوی دیگر، دولت - حزب در ویتنام به خوبی آگاه است که می‌تواند با بهبود روابط اقتصادی خود با کشورهای همسایه و قدرت‌های بزرگ جهان، زمینه کسب مشروعیت و تقویت بنیه اقتصادی کشور برای تداوم بخشیدن به اقتدارگرایی سیاسی را فراهم آورد. از این رو، از سال ۱۹۸۶ تاکنون در حالی که در حوزه اقتصادی الگوی نئولیبرالیسم مبتنی بر اقتصاد آزاد در این کشور به اجرا درآمده و روابط گسترده‌ای میان ویتنام و کشورهای عضو آسه آن در منطقه جنوب شرق آسیا پدید آمده، در عین حال ویتنام روابط سیاسی و اقتصادی خود را با دیگر قدرت‌های بزرگ اقتصادی جهان مانند چین و روسیه را نیز تقویت کرده است (Abuza, ۱۹۹۸, ۱۱۱۵). نگارنده در سال ۲۰۱۷ در سفری که به ویتنام داشت، توانست جشن‌های یکصدمین سالگرد انقلاب کمونیستی در روسیه که بسیار باشکوه و با حضور شمار زیادی از مقامات روس و دیگر کمونیست‌های جهان که به دعوت دولت - حزب ویتنام به شهر هوشی مین آمده بودند، را از نزدیک ببیند و با پیوندهای همچنان مستحکم میان ویتنام با هم‌پیمانان قدیمی‌اش در دوران جنگ سرد آشنا شود.

در واقع، می‌توان دید که سامانه‌های سیاسی در کشورهای متحد ویتنام در آسیا نیز کمابیش بر پایه سنت اقتدارگرایی در جوامع شرقی آسیایی شکل گرفته‌اند. از این رو، به نظر می‌رسد که با توجه به سنت‌های سیاسی موجود و نبود ساختار جایگزین برای ساختارهای سیاسی موجود در کشورهایمانند ویتنام، حتی در صورتی که اصلاحات و تغییرات در درون ساختارهای سیاسی موجود و تحول تدریجی در زمینه توسعه

سیاسی دولت از راه تقویت نهادهای کنترل و نظارت، توجه بیشتر به شایسته‌سالاری، فراهم آوردن زمینه مشارکت بیشتر شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها و پاسخگوسازی تدریجی حزب - دولت انجام شود، باز هم روند توسعه سیاسی در این کشور به گونه‌ای پیش خواهد رفت که به الگویی که می‌توان آن را «مردم‌سالاری نه چندان آزاد» نامید، می‌انجامد.

از سوی دیگر، این کشور در حوزه سیاست خارجی چنان عمل‌گرایانه رفتار کرده است که حتی روابط خود با مهمترین دشمن ایدئولوژیکش یعنی ایالات متحده آمریکا را با هدف کسب منافع اقتصادی و مشروعیت سیاسی بهبود بخشیده و در سال‌های اخیر توانسته است روابط بازرگانی خود با اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا را به طور چشمگیری گسترش دهد (حاجی یوسفی و حبیبی، پاییز ۱۳۹۷، ۶۵) و زمینه‌ساز کاهش انتقادات دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی نسبت به شرایط سیاسی موجود در این کشور شود. در برابر ادعاهای آمریکا و فرانسه در زمینه نقش‌آفرینی در عرصه توسعه سیاسی دولت در ویتنام، به گفته نیک داویس، روزنامه نگار بریتانیایی: «جنگ‌های طولانی فرانسه و آمریکا در ویتنام در رسیدن به اهدافی که به دنبال آن بودند، شکست خوردند. اینک واقعیت این است که یک دولت اقتدارگرای سوسیالیست با برداشتی آزاد از اقتصاد نئولیبرالیستی، زمینه را برای گرفتن پول و حق مردم ویتنام و پر کردن جیب شمار اندکی از نخبگان سیاسی که چهره واقعی خود را پشت شعارهای انقلابی پنهان کرده‌اند، در ویتنام پدید آمده است. ادعای رهبران ویتنام مبنی بر سوسیالیست بودن، تبلیغات توخالی است و ادعای آمریکا و فرانسه مبنی بر برپایی سامانه‌ای مردم‌سالار در این کشور، دروغی بیش نیست.» (Davies, ۲۰۱۵).

منابع

الف) فارسی

- ابراهیم خانی، حسین. (۱۳۸۵). تاریخ روابط ایران و ویتنام، تهران: وزارت امور خارجه.
- بدیع، برتران. (۱۳۷۶). توسعه سیاسی، برگرداننده: احمد نقیب زاده، تهران: قومس.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد و سید مهدی حبیبی. (پاییز ۱۳۹۷). «ادراک رهبران و عادی سازی سیاست ویتنام در قبال آمریکا» فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل، دوره هشتم، شماره ۳، صص ۶۳ تا ۹۶.
- رحیمی بدر، بیتا و اصغر مبارک. (بهمن و اسفند ۱۳۸۸). «بررسی تجربیات کشورهای منتخب در فرایند الحاق به WTO (اوکراین و ویتنام)»، مجله بررسی های بازرگانی، شماره ۳۹.

ب) انگلیسی

- Abuza, Z. (1998) "Leadership transition in Vietnam since the Eighth Party Congress: the unfinished congress", *Asian Survey*, 38(12), 1105-1121.
- Amnesty International* (April 17, 2022), "Annual Report".
- BBC News* (2009) "Vietnam Lawyer Charged with Subversion".
- Bertelsmann Stiftung's Transformation Index (BTI)1 (2022) "Vietnam", <https://www.bti-project.org>.
- Bertelsmann Stiftung's Transformation Index (BTI2)* (2022) "Vietnam Country Report", <https://bti-project.org/en/reports/country-report/VNM>
- CIA World Factbook* (January 2022) "Vietnam".
- Dahl, R. & C. Lindblom (1957) *Politics, Economics and Welfare*, New York: Harper and Row.
- Davies, Nick (2015) "Vietnam 40 Years on: How a Communist Victory Gave Way to Capitalist Corruption", *The Guardian*.
- Deutsch, K. (1953) *Nationalism and Social Communication*, New York & London: Chapman & Hall.
- Frankum Jr., Ronald B. (2011) *Historical Dictionary of the War in Vietnam*, US: Scarecrow Press.
- Gallup, John Luke (2002) "The Wage Labor Market and Inequality in Viet Nam in the 1990s", *Policy Research Working Paper Series, World Bank*. Policy Research
- Gainsborough, Martin (2002) "Political Change in Vietnam; in Search of the Middle-Class Challenge to the State", *Asian Survey*, 42:5, pp. 694-707.
- Gettleman, Marvin E. & Jane Franklin & Marilyn B. Young & H. Bruce Franklin (1995) *Vietnam and America: A Documented History*, US: Grove Press.
- Greenfield, Gerard (1994) "The Development of Capitalism in Vietnam", *Socialist Register*, Retrieved on 8 November 2018.
- Hasan, Samiul & Jenny Onyx (2008) *Comparative Third Sector Governance in Asia: Structure, Process, and Political Economy*, US: Springer.
- Hong Lien, Vu & Peter Sharrock (2014) *Descending Dragon, Rising Tiger: A History of Vietnam*, US: Reaktion Books.
- Keith, Charles (2012) *Catholic Vietnam: A Church from Empire to Nation*, University of California Press.

- Khoo, Nicholas (2011) *Collateral Damage: Sino-Soviet Rivalry and the Termination of the Sino-Vietnamese Alliance*, US: Columbia University Press.
- Kort, Michael (2017) *The Vietnam War Re-Examined*, UK: Cambridge University Press.
- McLeod, Mark W. (1991) *The Vietnamese Response to French Intervention, 1862–1874*, US: Greenwood Publishing Group.
- Moise, Edwin E. (1988) "Nationalism and Communism in Vietnam" *Journal of Third World Studies*, University Press of Florida. 5 (2): 6–22.
- Moore, Barrington (1966) *Social Origins of Dictatorship and Democracy: Lord and Peasant in the Making of the Modern World*, Boston: Beacon Press.
- Ooi, Keat Gin (2004) *Southeast Asia: A Historical Encyclopedia, from Angkor Wat to East Timor*, Published by: ABC-CLIO.
- Pelley, Patricia M. (2002) *Postcolonial Vietnam: New Histories of the National Past*, Britain: Duke University Press.
- Pew Research Centre* (Retrieved on May 2022), "Religion in Vietnam", <http://www.globalreligiousfutures.org/countries/vietnam>
- Potter, David (1992) "Democratization in Asia," in: *Prospects for Democracy: North, South, East and West*, ed. David Held, Cambridge, Mass.: Polity Press, pp. 355–79.
- Reporters without Borders* (July 2008), "Human rights in Vietnam". (December 16, 2021) "2021 World Press Freedom Index".
- Rueschemeyer, Dietrich & Evelyne Stephens & John Stephens (1992) *Capitalist Development and Democracy*, Cambridge, Mass.: Polity Press.
- Russett, B. (1973) "Are Instability and Inequality Related?" in: Lewis and Potter, *The Practice of Comparative Politics*, Open University Set Book.
- Shils, E. (1960) *Political Development in the New States*, the Hague, Mouton and Co.
- Taylor, Keith Weller (1983) *The Birth of Vietnam*, University of California Press.
- Tonnesson, Stein (2011) *Vietnam 1946: How the War Began*, University of California Press.
- USIP Fact Sheet* (April 20, 2022) "The Current Situation in Vietnam", <https://www.usip.org/publications/2022/04/current-situation-vietnam>
- Văn Phúc, Vũ (2014) "Reform Policy of the Communist Party of Vietnam after nearly 30 years of renewal", *Ministry of Culture and Information (Vietnam)*.
- Van Tho, Tran (2003) "Economic Development in Vietnam during the second half of the 20th century: How to avoid the danger of lagging behind", *The Vietnamese Economy: Awakening the Dorming Dragon*, Japan: Waseda University.
- Xinhuanet.com (January 2022)

استناد به این مقاله: تیشه یار، ماندانا. (۱۴۰۱). توسعه سیاسی دولت در ویتنام در چارچوب نظریه‌های کارل دوئیچ و برینگتون مور. دولت‌پژوهی، ۸(۳۰)، ۱۳۳۴-۱۳۳۵. doi: 10.22054/tssq.2022.70275.1334



The State Studies Quarterly is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.

